

# سیره‌های سوگواری عاشورایی



ابوالفضل هادی منش

## اشاره

به طور پنهانی فراخوانده و با برپایی مجالس عزاداری، نوحه‌سرایي آنان را شنیده، به همراه دیگر حاضران می‌گریستند. علماء شیعه نیز با تمسک به پیشوایان خویش این سیره را ادامه می‌دهند. مقاله حاضر، نگاهی گذرا به این موضوع انداخته است.

## سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «همانا که در پیروی از رسول خدا، سرمشق و الگوی نیکویی وجود دارد»<sup>۱</sup>. رفتار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

شکل‌گیری آیین سوگواری عاشورایی به دوران زندگی پیشوایان معصوم عليهم السلام باز می‌گردد. این سنت همواره مورد تأیید و تشویق آن بزرگواران قرار می‌گرفته و به جرأت می‌توان گفت: ائمه معصومین عليهم السلام در گسترش فرهنگ سوگواری عاشورایی بیشترین نقش را داشته‌اند. آن بزرگواران با برپایی مجالس گوناگون عزاداری، یاد و خاطره شهیدان کربلا را زنده نگاه می‌داشتند.

امامان عليهم السلام در دوران خفقان بار اموی و عباسی، شاعران معاصر خویش را،

حمزه! ای زداينده غمها و سختيها از  
چهره رسول خدا!<sup>۱</sup>

همانند اين مطلب در كتابهاي  
ديگر اهل سنت مانند: «مستدرک حاکم  
نیشابوری» نیز به چشم می خورد.  
افزون بر آن، نمونه های دیگری از  
عزاداری پیامبر ﷺ در تاریخ آمده  
است، از جمله: عزاداری پیامبر ﷺ در  
شهادت جعفر بن ابی طالب، عزاداری  
بر فرزند خردسالشان ابراهیم،  
عزاداری در کنار قبر مادر بزرگوارشان  
آمنه علیها السلام، عزاداری در کنار مزار  
دخترشان که در مدینه از دنیا رفت،  
عزاداری بر «سعد بن خولة»، گریستن  
در مرگ «عثمان بن مظعون» و... که  
شیعه و سنی این موارد را نقل  
کرده اند.<sup>۲</sup>

همچنین گریه و عزاداری پیامبر  
اکرم ﷺ بر ماجراهایی که بعدها رخ  
داد، نقل شده است. حافظ بن علی بن  
بیهقی، به نقل از امام زین العابدین علیه السلام

برای همه انسانها بهترین الگوی  
رفتاری و سرمشق زندگی است؛ به  
گونه ای که اسوه سازی و پیروی از  
کردار نیکوی ایشان، خود، برنامه ای  
کامل برای رستگاری بشر می باشد.

در سیره عملی رسول اکرم ﷺ  
نمونه هایی از عزاداری وجود دارد که  
شیعه و سنی درباره آن اتفاق نظر دارند  
و هر دو، آن را نقل کرده اند. در بسیاری  
موارد، خود آن حضرت، به برپایی  
عزاداری دستور داده یا در آن شرکت  
داشته است. برای نمونه، ایشان در  
پایان جنگ احد دستور داد برای  
بزرگداشت شهیدان احد به ویژه  
عمویش حمزه علیه السلام، مجلس عزاداری  
برپا کنند. «ابن مسعود» می نویسد:

«رسول خدا ﷺ در جنگ احد به  
شدت بر جنازه حمزه علیه السلام گریست، در  
حالی که مانند آن را از ایشان ندیده  
بودیم. جنازه او را به سوی قبله  
گذاشت. سپس با صدای بلند گریه کرد؛  
به قدری که از هوش رفت. سپس  
فرمود: ای عموی رسول خدا! ای شیر  
خدا! و ای شیر رسول خدا! ای حمزه!  
ای عمل کننده به کارهای ثواب! ای

۱. سیره الحلیة، علی بن برهان الحلی، مصر،

مطبعة مصطفی البابی، ۱۳۴۹ ق، ج ۲، ص ۶۰.

۲. المستدرک، الحاکم النیشابوری، بیروت،

مؤسسة دار الفکر، ۱۳۹۸ ق، ج ۲، صص ۸۷-۹۵.

می‌شد و امام حسین علیه السلام در آن زمان دو سال بیشتر نداشت. حضرت در آغاز حرکت، ناگهان توقف کرد و فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آن گاه اشک از چشمانش سرازیر گردید. اصحاب، دلیل گریه را جویا شدند و ایشان در پاسخ آنان فرمود: «هَذَا جَبْرَائِيلُ يُخْبِرُنِي عَنْ أَرْضِ بَشَطِّ الْفُرَاتِ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ يُمْتَلُ فِيهَا وَلَدَى الْحُسَيْنِ ابْنِ فَاطِمَةَ<sup>۱</sup>؟ هم اکنون جبرئیل [بر من نازل شد] و مرا از سرزمینی خبر داد که در کنار رود فرات واقع شده و نامش کربلاست و فرزندم حسین علیه السلام، فرزند فاطمه علیه السلام در آن سرزمین به شهادت می‌رسد.» اصحاب پرسیدند: قاتل او چه کسی است؟ حضرت فرمود: مردی به نام یزید، فرزندم را خواهد کشت. هم اکنون محل دفن فرزندم را می‌نگرم.

آن گاه با حالتی بسیار غمگین از سفر منصرف شد. سپس خطبه‌ای خواند و پس از پایان خطبه، دست

و ایشان نیز از اسماء بنت عمیس این گونه نقل می‌کند:

«من در ولادت حسن و حسین علیه السلام قابله جده‌ات، فاطمه علیه السلام بودم. چون حسین علیه السلام به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای اسماء! فرزندم را بیاور! من نیز حسین علیه السلام را در پارچه سفیدی پیچیدم و نزد آن حضرت آوردم. ایشان در گوش راست او، اذان و در گوش چپش، اقامه گفت و آن را در دامن خود گذاشت و گریست. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت باد! برای چه گریه می‌کنید؟ فرمود: بر این پسر می‌گیریم. گفتم: او که هم اکنون به دنیا آمده [و باید شاد باشید]! فرمود: ای اسماء! پسر مرا گروهی ستمگر خواهند کشت. خدا شفاعتم را به ایشان نرساند. سپس به من فرمود: به فاطمه علیه السلام چیزی نگویی؛ چون تازه بچه‌دار شده است<sup>۱</sup>».

بدین ترتیب، نخستین مجلس عزاداری بر سالار شهیدان، ساعتی پس از ولادت او برپا شد.

در مقتل «ابن جوزی» آمده است:  
«پیامبر صلی الله علیه و آله برای سفری آماده

۱. ذخائر العقبی، محب الدین احمد بن عبدالله الطبری، قاهرة، مکتبة القدسی، ۱۳۶۵ ق، ص ۱۱۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۷.

وارد شوند و من در باره اهل بیت، چیزی جز دوستی آنان از شما نمی‌خواهم و این چیزی است که پروردگرم به من دستور فرموده است. بر حذر باشید از اینکه در روز قیامت، در کنار حوض کوثر، در حالی که با اهل بیت، دشمنی ورزیده و بر آنان ستم روا داشته باشید، با من دیدار کنید.<sup>۱</sup>

گفتنی است گریه و سوگواری بر امام حسین علیه السلام در تاریخ پیامبران الهی علیهم السلام نیز وجود دارد که از آن میان، به عزاداری حضرت آدم علیه السلام می‌توان اشاره کرد. با این حال، نخستین برپا کننده مجلس عزا برای امام حسین علیه السلام در اسلام، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

### سیره برخی از ائمه

#### معصومین علیهم السلام

#### الف. سیره امام سجاده علیه السلام

ایشان را یکی از «بکائون» عالم نامیده‌اند؛ زیرا در سجده‌های طولانی خویش، چنان اشک می‌ریخت که

راست خود را بر سر حسن علیه السلام و دست چپ خود را بر سر حسین علیه السلام گذاشت. بعد دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا! محمد صلی الله علیه و آله و سلم، بنده و پیامبر توست و این دو، برگزیدگان خانواده من و اصل و ریشه من هستند. این دو را جانشین خود در میان امت می‌گذارم. خدایا! شهادت را برای حسین علیه السلام، مبارک گردان و او را سرور شهیدان امتم قرار ده و برای قاتل و خوار کننده‌اش، هیچ برکتی روا مدار! حضرت فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ أَتَبْكُونَهُ وَلَا تَسْتَضْرُوْنَهُ»<sup>۱</sup> ای مردم! آیا بر او گریه می‌کنید و او را یاری نمی‌دهید!

چون سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اینجا رسید، صدای حاضران در مسجد به گریه بلند شد. سپس از مسجد بیرون رفت. پس از چند لحظه، با چشمان اشک‌بار به مسجد باز گشت و با چهره‌ای برافروخته فرمود: «ای مردم! من دو گوهر گران‌بها را در میان شما بر جای می‌گذارم؛ کتاب خدا و عترتم که با آب حیاتم و ثمره وجودم آمیخته‌اند. این دو از هم جدا نخواهند شد تا هنگامی که در کنار حوض کوثر بر من

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۷.

۲. همان، ج ۴۴، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۴، ص ۲۴۸.

می‌برم] و از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. هر گاه جریان شهادت فرزندان فاطمه علیها السلام را به یاد آورم، بغض به قدری گلویم را می‌فشارد که نزدیک است خفه شوم ... یعقوب، دوازده پسر داشت و خداوند، یکی از آنان را برای مدتی از پیش چشم او دور کرد، در حالی که فرزندش زنده بود. با این حال، آن قدر گریست که چشمانش نابینا شد. چگونه اندوهم تمام شود در حالی که به پدر و برادر و عمویم و هفده تن از خانواده‌ام نگاه کردم در حالی که اطرافم کشته شده بودند.»

ب. سیره امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام در دوران خفقان اموی، شاعران معاصر خویش را، به طور پنهانی فرامی‌خواند و آن گاه با برپایی مجلس عزاداری، نوحه‌سرایی آنان را می‌شنید و به همراه دیگر حاضران می‌گریست.<sup>۲</sup> کمیت بن زید اسدی یکی از این شاعران است که اشعار جانسوزی در توصیف حادثه

زمین، تر می‌شد. البته گریه ایشان تنها به خوف الهی خلاصه نمی‌شد، بلکه با گذشت بیش از ۲۰ سال از جریان کربلا، ایشان همچنان از گریستن بر مظلومیت خانواده خویش، به ویژه پدر بزرگوارش دست بر نمی‌داشت. آن حضرت با این کار، غم ایام را بر خود هموار می‌کرد و با خنثی ساختن تبلیغات سوء بنی‌امیه، جنایات آنان را به مردم یادآور می‌شد.

روزی یکی از خدمت‌گزاران ایشان با دیدن این حالت گفت: «يَا اِبْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ قَالَ: «إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup> إِنِّي لَمْ أَذْكَرْ مَضْرَعِ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا سَاخَنْتُنِي الْعِزَّةُ ... إِنَّ يَعْقُوبَ النَّبِيَّ عليه السلام كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا فَغَيَّبَ اللَّهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَأَيَّضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ كَثْرَةِ الْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَكَانَ ابْنُهُ حَيًّا فِي الدُّنْيَا فَأَنَا نَظَرْتُ إِلَى أَبِي وَأَخِي وَ عَمِّي وَ سَبْعَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَقْتُولِينَ حَوْلِي فَكَيْفَ يَنْقِضِي حُزْنِي؛<sup>۱</sup> ای پسر رسول خدا! بیمناکم که [به دلیل این همه گریه و غصه] تلف شوید! حضرت فرمود: من غم و اندوهم را تنها به خدا می‌گویم [و شکایت نزد او

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۵.

۲. مصباح‌المتجهد، شیخ الطوسی، بیروت،

مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق، ص ۷۱۳.

### ج. سیره امام صادق علیه السلام

عصر امام صادق علیه السلام به دلیل انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس، با کشمکشهای سیاسی همراه بود. از این رو، رژیم حاکم تا اندازه‌ای از فعالیتها و حرکت‌های مذهبی غافل ماند. به همین دلیل، این گونه فعالیتها در جامعه گسترش یافت. حضرت صادق علیه السلام نیز با بهره‌گیری از این فرصت، به پرورش شاگردانی در زمینه‌های علمی و گسترش شعائر مذهبی به ویژه عزاداری برای سالار شهیدان علیه السلام پرداخت. بنابراین، دوران امام صادق علیه السلام را باید دوره تثبیت فرهنگ عزاداری برای امام حسین علیه السلام دانست. ایشان با تفقد و تشویق شاعران، این مجلسها را به طور آشکار گسترش داد؛ به گونه‌ای که همگان در آن شرکت

۱. همان.

۲. خداوند پاداش ما را در مصیبت حسین علیه السلام افزون کند و ما و شما را از خون خواهان او همراه ولی خدا، امام مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهد!

۳. کامل الزیارات، جعفر بن محمد قولویه القمی، نجف، انتشارات المرتضویه، ۱۳۵۶ ق، ص ۱۷۴.

کربلا سروده است. امام باقر علیه السلام درباره ایشان فرمود: «اگر سرمایه‌ای داشتیم، در پاداش شعر کمیت به او می‌بخشیدیم، ولی جزاء او همان دعایی است که پیامبر درباره حسان بن ثابت فرموده است و به دلیل دفاع از اهل بیت همواره از پشتیبانی فرشته روح القدس برخوردار خواهد بود»<sup>۱</sup>.

همچنین ایشان در تشویق مردم به برپایی این آیین می‌فرمود: «در روز عاشورا برای امام حسین علیه السلام مجلس عزاداری برپا دارید و همراه با خانواده بر مصائب آن حضرت بگریید و شیون و زاری کنید. همچنین هنگام دیدار، بر آن حضرت بگریید و همدیگر را تعزیت دهید و بگویید: **أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَ جَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِنَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله**»<sup>۲</sup> هر کس چنین کند، من

پاداش دو هزار حج و عمره و جهاد در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را برایش تضمین می‌کنم.<sup>۳</sup>

در واقع، امام باقر علیه السلام، عزاداری عاشورایی را به سبک امروزی آن پایه‌ریزی کردند.

می‌جستند. در تاریخ آمده است:

ابو هارون، شاعر معاصر امام صادق علیه السلام که مردی نابینا بود، روزی نزد امام آمد. حضرت به او فرمود: «یا ابا هارون! هَارُونَ أَنْشَدَنِي فِي الْحُسَيْنِ»<sup>۱</sup> ای اباهارون! از آن اشعاری که در سوگ جدم، حسین علیه السلام سروده‌ای، بخوان! سپس دستور داد زنان در مجلس حضور یابند و پشت پرده بنشینند و بر مصائب اهل بیت علیهم السلام گریه کنند. ابوهارون، قصیده معروف خود را در وصف کربلا و توصیف حال عاشقان زیارت آرامگاه حضرت حسین علیه السلام خواند؛ به گونه‌ای که صدای شیون از جمعیت برخاست. حضرت امام صادق علیه السلام به شدت می‌گریست و شانه‌هایش تکان می‌خورد.<sup>۲</sup>

ایشان همواره از یادآوری واقعه کربلا اندوهگین می‌شد و هر گاه نام حسین علیه السلام برده می‌شد، آن روز خنده از لبان ایشان محو می‌گردید.

«ابوبصیر» می‌گوید:

در محضر آن حضرت بودم که یکی از نوادگان امام حسین علیه السلام وارد مجلس شد. حضرت او را مورد

نوازش قرار داد و بوسید. سپس فرمود: «حَقَّرَ اللَّهُ مَنْ حَقَّرَكُمْ وَانْتَقَمَ مِنْكُمْ وَتَرَكْتُمْ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ فَقَدْ طَالَ بَكَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشَّهَدَاءِ وَ مَلَائِكَةِ السَّمَاءِ»<sup>۳</sup> خدا خوار کند کسی را که به شما توهین کرد و انتقام شما را بگیرد! خدا لعنت کند کسانی را که شما را به شهادت رساندند!... همانا پیامبران، صدیقان، شهداء و فرشتگان الهی بر حسین علیه السلام بسیار گریستند. آن گاه خود حضرت نیز بسیار گریه کرد و فرمود: «يَا أَبَا بَصِيرٍ إِذَا نَظَرْتُ إِلَى وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیهم السلام أَتَانِي مَا لَا أَمْلِكُهُ بِمَا أَتَى إِلَيَّ أَبِيهِمْ يَا أَبَا بَصِيرٍ إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام لَتَبْكِيهِ»<sup>۴</sup> ای ابابصیر! هرگاه چشمم به یکی از فرزندان و نسل حسین می‌افتد، به یاد آنچه برای پدرشان و یسارانش رخ داده است، حالتی به من دست می‌دهد که نمی‌توانم تاب بیاورم. ای ابابصیر! فاطمه علیها السلام نیز بر او (امام حسین علیه السلام)

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۴.

۲. ثواب الاعمال، شیخ صدوق، قم، انتشارات

الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش، ص ۸۳.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۴.

۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۸؛ کامل الزیارات،

می‌گیرید.»

#### د. سیره امام کاظم و امام رضا علیهما السلام

در دوران امام کاظم علیه السلام به دلیل خفقان شدید بنی عباس، از رونق مجلسهای عزاداری کاسته شد؛ زیرا عمر پربرکت آن حضرت در زندانهای عباسیان گذشت. البته این وضع در زمان حضرت رضا علیه السلام اندکی بهبود یافت. دلیل آن نیز توطئه ولیعهدی مأمون بود که امام رضا علیه السلام این فرصت را غنیمت شمرد و این سنت را زنده کرد.

ابو علی دعبل خزاعی، شاعر توانا و علاقه‌مند به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در دوران امامت امام رضا علیه السلام می‌زیست. وی در سال ۱۹۸ ق در مرو به حضرت رسید که با استقبال ایشان روبه‌رو شد. او می‌گوید: در شهر مرو، مولایم علی بن موسی علیه السلام را دیدم که با حالتی محزون میان یاران خود نشسته بود. با دیدن من خوشحال شد و فرمود: «مَرْحَبًا بِكَ يَا دُعْبَلُ مَرْحَبًا بِتَأْصِرِنَا بِبَيْدِهِ وَلِلسَانِهِ؛<sup>۱</sup> خوشا به سعادتت ای دعبل! خوشا به سعادت کسی که ما را با دست و زبان یاری

می‌کند!» سپس مرا احترام کرد، نزد خود نشانید و فرمود: «أَجِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامٌ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَأَيَّامٌ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَيَّ أَغْدَاؤُنَا؛<sup>۲</sup> دوست دارم برای من، شعری بخوانی. این روزها، روز حزن و اندوه ماست و روز شادی دشمنانمان.» من نیز شعری را که تازه سروده بودم، خواندم و حضرت و خانواده و یاران ایشان به شدت گریستند.

#### سیره برخی از عالمان دین

با آغاز غیبت کبری صاحب العصر علیه السلام که رهبری جامعه بر عهده علماء و فقهاء دین قرار گرفت، این روش به گونه‌ی دیگر ادامه یافت. این بزرگان با پیروی از شیوه رفتاری پیشوایان معصوم علیهم السلام در گسترش این فرهنگ کوشیده‌اند. آنان چنان رابطه تنگاتنگی با مجلس روضه داشته‌اند که همواره خود را مدیون روضه اباعبدالله علیه السلام دانسته‌اند. به همین دلیل، به همراه دسته‌جات عزاداری در کوچه و بازار به راه می‌افتادند و مانند همه

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.



سرازیر می‌گشت.

بعد از ظهر عاشورای سال ۱۳۴۲، او را در مدرسه فیضیه می‌بینند، در حالی که به حالت نماز، تحت الحنک عمامه خود را باز کرده و قدری گل به جلوی عمامه خویش مالیده بود. مردم و طلاب، بزرگ‌مرد انقلاب اسلامی را در حالی می‌دیدند که در پیش مقام قدسی حسین علیه السلام رخ بر خاک می‌سایید.<sup>۱</sup>

#### مرحوم میرزای شیرازی علیه السلام

در روز عاشورایی در منزل مرحوم میرزای شیرازی در کربلا روضه‌خوانی بود. ایشان روز عاشورا به اتفاق طلاب به حرم سیدالشهداء علیه السلام و حرم ابوالفضل العباس علیه السلام می‌رفتند و عزاداری می‌کردند. عادت میرزا این بود که هر روز در اتاق خود زیارت عاشورا می‌خواند. سپس پایین می‌آمد و در مجلس روضه شرکت می‌کرد. یکی از بزرگان می‌گوید: «خودم حاضر بودم که دیدم پیش از موعد مقرر، میرزا

مردم بر سر و سینه می‌زدند. افزون بر آن، برخی از این بزرگان، مجلس درس و بحث خود را نیز با یاد و خاطره شهیدان کربلا آغاز می‌کردند یا به پایان می‌رساندند.

#### امام خمینی علیه السلام

ایشان هنگام اقامت در کربلا، در روزهای تاسوعا و عاشورا، برای امام حسین علیه السلام، مجلس عزاداری برپا می‌کرد و خود از آغاز تا پایان مجلس، با حاضران همراه بود. همچنین در ایران، روزهای عاشورا در حسینیه جماران، مجلس روضه برگزار می‌کرد و به احترام نام مقدس امام حسین علیه السلام بر روی زمین می‌نشست و با فروتنی تمام، اشک می‌ریخت. ایشان، به قدری دل‌باخته نام مقدس امام حسین علیه السلام بود که با شنیدن صدای مداح و روضه‌خوان، صدای هق‌هق گریه‌هایش بر می‌خاست.

امام در غم از دست دادن فرزند بزرگ خود، آیه الله سید مصطفی خمینی، حتی قطره‌ای اشک نریخت؛ ولی بسه محض شنیدن روضه روضه‌خوان خود اشک از دیدگانش

۱. آئین ستایشگری، ابوالفضل هادی منش، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۴ ش، چاپ ششم، ص ۳۱.

با حالتی غیرعادی و پریشان و نالان از پله‌های اتاق خود پایین آمد و سرآسیمه وارد مجلس عزا شد و فریاد کشید: امروز باید از مصیبت عطش حضرت سید الشهداء علیه السلام بخوانید و عزاداری کنید. اهل مجلس همگی با دیدن حالت میرزا منقلب شدند و حتی برخی از شدت ناراحتی و گریه از هوش رفتند و پس از روضه همگی به حرم سید الشهداء علیه السلام مشرف شدیم.<sup>۱</sup>

#### میرحامد حسین علیه السلام

مرحوم سیدحسین یزدی در احوال میرحامد حسین می‌گوید: «من می‌دانستم که میرحامد حسین توان و طاقت مصیبت‌های حضرت سیدالشهداء علیه السلام را ندارد. از این رو، مصائب امام در حضورش خوانده نمی‌شد. از قضا روزی در «لکنهو» در حالی که بالای منبر بودم، او وارد حسینیه شد، اما من متوجه ورود او نشدم و طبق معمول در پایان مصیبتی خواندم. ناگهان متوجه شدم که صدای مردم بلند شد که به من می‌گفتند: دیگر بس است، نخوان! پس از لحظه‌ای متوجه شدم که در اثر روضه خوانی

من، میرحامد از هوش رفته است.»<sup>۲</sup>

#### ملا آقای دربندی علیه السلام

در احوال ملا آقای دربندی - از شاگردان مرحوم انصاری علیه السلام - می‌نویسند:

«در اقسامه مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام اهتمامی فراوان داشت و بر آن مواظبت می‌کرد. در این امر به گونه‌ای بود که در بالای منبر از شدت گریه، غش می‌کرد و در روز عاشورا لباسهای خود را از بدن در می‌آورد و پارچه‌ای به خود می‌بست و خاک بر سر می‌ریخت و گِل به بدن می‌مالید و با همان شکل و صورت بر منبر می‌رفت و روضه‌خوانی می‌کرد.»<sup>۳</sup>

#### علامه امینی علیه السلام

درباره علامه امینی علیه السلام صاحب کتاب «الغدیر» نیز گفته‌اند: «او از محبین کامل و عاشق آل محمد علیهم السلام بود. می‌توان گفت کتاب او نیز اثری از

۱. داستانهای شگفت، عبدالحسین دستغیب، قم، دارالکتاب، چاپ پنجم، بی تا، ص ۳۲۳.  
 ۲. نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، بی تا، چاپ دوم، ۱۳۵۱ ش، ج ۱، ص ۳۴۹.  
 ۳. همان، ص ۲۸.

می‌پرسد، در جواب می‌فرماید: «من هرچه دارم از آن حضرت دارم. و سپس ماجرای نجات یافتن خود از مرگ را به شفاعت آن حضرت بیان می‌کردند.<sup>۲</sup>

### آیه الله بروجردی رحمته الله علیه

حضرت «آیه الله بروجردی رحمته الله علیه» در شرح حال خود می‌فرماید:

«دورانی که در بروجرد بودم، یک مدت چشمانم کم نور شده بود و به شدت درد می‌کرد تا اینکه روز عاشورا هنگامی که دسته‌های عزاداری در شهر به راه افتاده بودند، مقداری گِل از سر یکی از بچه‌های عزادار دسته - که به علامت عزاداری، گل به سر خود مالیده بود - برداشتم و به چشم خود کشیدم. در نتیجه، چشمانم دید و نور خود را باز یافت و دردش تمام شد.»<sup>۳</sup>

به همین دلیل، ایشان تا پایان عمر شریف خود، با وجود سن زیاد، به عینک و یا جراحی چشم نیاز پیدا نکرد.

آثار این عشق بی‌کران است. بسیار اتفاق می‌افتاد که اهل منبر و نوحه‌خوانان از مشاهده انقلاب حال او به هنگام ذکر مصیبت، منقلب می‌شدند و چونان خود او، از سرِ درد می‌گریستند. این حالت هنگامی بیشتر اوج می‌گرفت که گوینده مصیبت به نام بانوی کبریٰ صدیقه زهرا علیها السلام می‌رسید. اینجا بود که خون در رگهای پیشانی او متراکم شده، گونه‌هایش برافروخته می‌گشت و چونان کسی که از ظلمی که بر ناموس او رفته است، در برابرش سخن گویند، از چشمانش همراه اشک بی‌امان، شعله آتش [ناراحتی و خشم] بیرون می‌زد.<sup>۱</sup>

### حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه

ایشان همواره پیش از تدریس دستور می‌دادند تا پیش از شروع درس قدری روضه سید الشهداء علیه السلام خوانده شود. همچنین ایشان پس از مرجعیت نیز در خیابانها و دسته جات سینه زنی و عزاداری ابا عبدالله علیه السلام شرکت می‌کردند و همچون مردم عادی در عزای آن حضرت به سر و سینه می‌زدند. هنگامی که یکی از نزدیکانش دلیل این توجه و توسل و شیفتگی فوق العاده را

۱. همان، ص ۳۱.

۲. گنجینه دانشمندان، محمدشرف رازی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲ ش، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. همان.